

**می خوام به غنچه باشم**

می خوام به غنچه باشم میون باغچه باشم...



**می خوام به غنچه باشم، باغچه باشم**  
 بگامه ه، هانکنم، بندم، هفتی که آفتاب می تابه بخندم  
 م به ممیم، شادک ها،  
 قصه بگم با، کفشده:ک ها  
 (غنچه اسب خاکه منتظ آفتابه هفت، که تشنه باشه، تو آرزوی آبه)  
**می خوام به ماه، باشم ته آب آد، باشم**  
 به، سخ به لک، به شم، آ آب پاک چشمه ها نوشم  
 باله هامه، هانکنم، بندم شناکنم شاد، کنم بخندم  
 (ماه، فقط ته آبه، ته حض، ه ه د، باست شاید که از صبح تاشب تو فکردشت و صحر است)  
**می خوام به ده باشم مبه، گله باشم**  
 همیشه باشم ته، دشت ه صحا بده بده کنم ته، صخره ها  
 با، کنم ته صحاها بحم از آب، تته به اه، تته بدم  
 (ده دلش، م، نه، چه، که خه، اک گ گه برای گرگ بدجنس یه لقمه ی بزرگه!)  
**می خوام به گگ باشم، خیل، نرگ باشم**  
 شب که م، شه حمله کنم به گله! بگم یک ده سه تا بره! (محکم بگوئید)  
 بگم منه گگ ساه صحا، نت س، از م، همه ع، ده ها  
 (گ گه که دا، ساهه، هج کس، ده سنتش، ندا، ه، ته آسمه، آبی نداره یه ستاره)  
 چه خوب چه خوب! نه ماهی ام نه غنچه نه گرگم ونه بره!  
**منم منه به بچه!**  
 می خوام کتاب قصه مو بخونم همین جا پیش مادرم بمونم!